

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

صص ۱۵۳-۱۱۸

ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران

دکتر محمد حیدری* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

سهراب انعامی علمداری - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

فرهاد فتاحی - کارشناس ارشد آمار، مدرس دانشگاه پیام‌نور

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۷

چکیده

منطق ژئوپلیتیک مرز حکم می‌کند که حفاظت، حراست و پاسداری از مرزهای کشور به‌عنوان یک ارزش اساسی در راستای اعمال حق حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی در کانون سیاستگذاری و سیاست راهبردی قرار گیرد. این امر راهبردی بدون داشتن مدیریت مرزها و وجود مرزهای امن که آحاد جامعه و کشور بویژه مرزنشینان در آن احساس آرامش کرده، ممکن نخواهد بود. وجود کانون‌های ناامن ساز و ضد امنیتی در درازای مرزهای ایران با همسایگان، نگرانی‌هایی برای مرزنشینان، دولت مرکزی و دست‌اندرکاران امور مرزی فراهم کرده است. در همین زمینه، تدابیر، تمهیدات، طرح‌ها و برنامه‌های بسیاری در سنوات گذشته در مرزهای شرقی به انجام رسیده که این مقاله در پی بررسی اثربخشی این برنامه‌ها بر امنیت مرزی می‌باشد. روش تحقیق، از نوع تحلیلی - توصیفی بوده است و اطلاعات به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه‌ای که بین جامعه نمونه به حجم ۲۰۰ نفر گردآوری شده و توزیع و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پاسگاه‌های مرزی، بازارچه‌های مرزی و راه‌های مرزی به ترتیب اولویت یک تا سه، جزو مؤثرترین و اثربخش‌ترین متغیرها بر روی طرح مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور می‌باشند. همچنین، جامعه نمونه بر اثربخش بودن دیپلماسی، ایجاد موانع فیزیکی، استقرار و توسعه هنگ‌های مرزی و استفاده از تجهیزات فنی و الکترونیکی تأکید دارد. واژه‌های کلیدی: امنیت، مرز، مدیریت و کنترل مرز، مرزهای شرقی ایران، موانع فیزیکی.

۱- مقدمه

مقوله امنیت مرزها از جمله مباحث مهم نظری و عملی حوزه های امنیتی و دفاعی است که در دو دهه اخیر به لحاظ ماهیتی و کارکردی دچار تغییراتی شده است. به لحاظ مرجعیت امنیت مرزی، علاوه بر دولت ها، مردم و جمعیت های ساکن در مناطق مرزی، افراد و کالایی که از مرزها عبور می نمایند را شامل می شود. امنیت مرزی از آن جهت اهمیت مضاعف پیدا می کند که نقش واسط بین امنیت داخلی و خارجی دارد و پاشنه آشیل دولت ها محسوب می گردد. سمت گیری تهدیدات از کانون های بیرونی، نقطه آسیب پذیری حاکمیت هاست و هر آئینه روابط فی مابین همسایگان رو به تیرگی بگذارد مرزها اولین لایه جذب تشعشات و امواج منفی می باشند، لذا دولت ها بیش از هر موضوعی به امنیت مرزها می پردازند.

مرزهای جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و آوردگاه بسیاری از جنگ ها و مخاصمات بوده است، جنگ جهانی اول، دوم و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گویای تلاطم تهدیدات در مرزهای ایران است. علاوه بر وجود تهدید جنگ، تهدیدات دیگری نظیر: قاچاق مواد مخدر، کالا، انسان و ... تردهای غیرمجاز در بستر مرزهای شرقی، غربی و جنوبی، امنیت مرزها و امنیت داخلی کشورها را با مخاطراتی مواجه کرده است. مرزهای شرقی کشور کانون عمده تهدید ناشی از وجود بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر می باشد، اثرگذاری تهدید مواد مخدر کمتر از جنگ نبوده و نیست، جنگ مدرن دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی در قالب های جدیدی مثل مواد مخدر و ضربه اقتصادی از طریق قاچاق انواع کالاها و گسترش شرارت و ناامنی در مناطق مرزی می باشد.

از دیگر سو، ژئوپلیتیک نیز، یکی از مؤلفه های مهم در تعیین قدرت کشورهاست. از این رو، توجه به مبانی و اصول ژئوپلیتیک موجب کسب قدرت برای کشورها می شود. اما ژئوپلیتیک برخلاف جغرافیای سیاسی، مبتنی بر یک طبیعت تجویزی است و از نظر تاریخی همواره نقش یک عامل محرک و ترغیب کننده را در ذهن سیاستمداران و استراتژیست ها ایفا کرده است. ایران از جمله کشورهایی است که ژئوپلیتیک آن همواره مرجع قدرت و یا در برخی موارد ضعف آن به شمار می رفته است اما این ژئوپلیتیک در سال های متمادی تأثیر بسزایی در ساختار

سیاستگذاری‌ها داشته که امنیت و کنترل مرزها از نمونه‌های عینی آن است. مرزهای شرقی ایران به دلایل ژئوپلیتیکی، نگاهی ملی و حتی بین‌المللی می‌طلبد. جمهوری اسلامی ایران از طریق مرزهای شرقی با کشورهای همسایه است که ترکیبی از ژئوپلیتیک، تروریسم، جنگ، ناامنی و رادیکالیسم را شکل داده است. در چندین سال گذشته، برای مهار و کنترل تهدیدات ناظر بر مرزهای شرقی کشور بر اساس تجربیات به دست آمده اقدامات کنترلی و انسدادی گوناگونی ایجاد شده است. با پیوند خوردن جریان قاچاق موادمخدر به مافیای بین‌المللی و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورهای غربی این فرآیند وارد مراحل تازه و بسیار پیچیده‌ای شد که اقدامات انجام شده در مرزهای شرقی را کم‌اثر کرده است. از سویی گلکسیونی از پروژه‌ها و طرح‌های انسدادی از احداث کانال، خاکریز، سیم خاردار گرفته تا احداث پاسگاه، برجک، راه و دیوار بتنی و... در مرزهای شرقی به نمایش درآمده است (Hafeznia and et al, 2007: 8).

بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که مستحدثات مرزی و اقدامات انجام یافته تحت عنوان طرح مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور چه آثار و پیامدهایی در بُعد امنیت مرزها، کاهش تردهای غیرمجاز، قاچاق موادمخدر، کالا و فعالیت اشراق مسلح به دنبال داشته است؟

برای پاسخ به این سؤال علاوه بر گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های نظری، بازدیدهای میدانی و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و تجزیه و تحلیل این داده‌ها، پرسشنامه‌ای با تعداد ۳۰ سؤال طراحی و بین جامعه آماری ۱۰۰۰ نفری از طیف‌های مختلف مستقر در مرز با جامعه نمونه‌ای به حجم ۲۴۶ نفر توزیع و پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت که با عنایت به ماهیت مطالعه از دو روش کمی و کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

۲- روش تحقیق

روشی که برای این مطالعه انتخاب شده، روش توصیفی-تحلیلی است، در این روش

پژوهشگران داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص داده‌های توصیفی، خلاصه و طبقه‌بندی کرده و سپس روابط علت و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته را در چارچوب مدل‌های همبستگی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شده است.

۳- سؤال اصلی پژوهش

سؤال اصلی پژوهش عبارتست از: طرح مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور چه آثار و پیامدهایی در بُعد امنیت مرزها، کاهش تردهای غیرمجاز مرزی، قاچاق موادمخدر، کالا، انسان و آثار فرهنگی، مشروبات الکلی و محصولات فرهنگی مبتذل، فعالیت اشراق مسلح و گروه‌های تروریستی و معیشت مرزنشینان به دنبال داشته است؟

۴- متغیرهای پژوهش

پژوهش مورد نظر که ناظر بر ارزیابی طرح مدیریت کنترل مرزهای شرقی کشور ایران است در قالب متغیرهای مستقل و وابسته، مورد بررسی قرار گرفت.

متغیر مستقل: طرح کنترل مدیریت مرز	متغیر وابسته: اثر بخشی طرح
احداث راه مرزی	تسهیل تردد مرزبانان تسریع در عملیات علیه قاچاقچیان
احداث پاسگاه و برجک	استقرار ناجا، دیده‌بانی و کنترل تردهای مرزی
احداث موانع فیزیکی (سیم خاردار، کانال، خاکریز)	ممانعت از ورود و خروج عابرين غیرمجاز، افزایش توان عملیاتی پلیس مرزبانی
راه‌اندازی هنگ‌های مرزی	ارتقای جایگاه مرزبانی، افزایش نیروی مرزی
تأمین امکانات زیستی پرسنل از قبیل آب‌رسانی، برق‌رسانی، وسایل گرمایی و برودتی	ایجاد انگیزه، ارتقای سطح کارآمدی افزایش توان عملیاتی، آسایش زیست پرسنل
ایجاد حریم به عمق سه تا پنج کیلومتری	تخلیه مرزنشینان، تقویت قابلیت‌های رزمی، جلوگیری از همکاری مردم با قاچاقچیان، برچیدن محله‌هایی اختفاء و پناه گرفتن اشراق در پوشش مرزنشینان
تأسیس و راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی	تقویت توان معیشت مرزنشینان، رونق فعالیتهای تجاری، افزایش مبادلات مرزی و تقویت مناسبات فرهنگی و پیوندهای خویشاوندی
تأسیس و راه‌اندازی قرارگاه عملیاتی شرق	برخورد با گروه‌های تروریستی، جلب مشارکت بسیج مردمی، برقراری امنیت پایدار، آزادسازی گروگانها، دفاع از حریم امنیت مرزها
توسعه مناسبات دیپلماتیک	اجرای پروتکل‌های مرزی، انعقاد موافقت‌نامه‌ها یادداشت تفاهم همکاری در زمینه مبارزه با موادمخدر، برخورد با قاچاقچیان و اشراق مسلح
ملاقات مرزبانان و تأسیس اتاقهای ملاقات مرزی	حل فصل بسیاری از مشکلات فی‌مابین در چارچوب پروتکل، حفظ، نگهداری و ترمیم علائم و میله‌های مرزی، گشت مشترک، شناسایی مجرمین و استرداد آنان براساس قانون و برخورد با متجاوزین مرزی

۵- مباحث نظری

امنیت مرزی را باید مفهومی مرکب قلمداد کرد که از تلاقی دو حوزه امنیت پژوهی و جغرافیا پدید آمده است. بنابراین در صورت بروز هرگونه تحولی در هر یک از این دو حوزه می‌توان پیش‌بینی نمود که تلقی تازه و متفاوتی از امنیت مرزی شکل خواهد گرفت که با پیشینه و مراحل تکوین آن یکسان نخواهد بود. تعریف عمومی و متعارف از امنیت مرزی که تا سال‌های واپسین قرن بیستم و شروع انقلاب ارتباطات، مورد قبول بسیاری از پژوهشگران حوزه مطالعات امنیتی بوده، عبارت است از: «صیانت از خطوط قراردادی وضع شده برای بخش پایانی پیرامون محیط‌زیست یک واحد سیاسی، در مقابل تعرضات احتمالی‌ای که از سوی دیگر بازیگران طراحی و به اجرا گذارده می‌شود» (Mojtahedzadeh, 2000: 31-32).

این تلقی از امنیت مرزی از آن حیث که بر اصل صیانت و ممانعت از تعرض دیگر بازیگران تأکید دارد، مربوط به حوزه مطالعات فراستتی در بحث امنیت پژوهی می‌باشد و از آنجا که بر «قلمرو» نظر دارد، متأثر از ملاحظات «جغرافیایی» و «سرزمینی» است که در مجموع برداشتی فراستتی از امنیت سرزمینی واحد سیاسی در ناحیه تلاقی جغرافیایی‌اش با سایر واحدهای سیاسی ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است که هر دو رکن «امنیتی» و «جغرافیایی» امنیت مرزی متأثر از فضای تحول در ارتباطات شده که توجه به آنها رمز درک معنای نوین مرزی در قرن بیست و یکم خواهد بود. این دو تحول عبارتند از:

۱ - تحول گفتمانی؛ گذار از گفتمان سلبی به گفتمان ایجابی امنیت.

تأکید بر مفهوم دفع تهدید و صیانت از مرز که جوهره اصلی امنیت مرزی را تشکیل می‌دهد، متناسب با گفتمان سلبی^۱ از امنیت می‌باشد که در آن امنیت در نبود تهدید تعریف می‌شود. در درون این گفتمان دو نسل مختلف از تحلیلگران حضور داشته‌اند: سنتی‌ها و فراستتی‌ها. سنتی‌ها، امنیت مرزی را در صیانت از مرز در مقابل تجاوز بیگانه تعریف می‌نمایند در

1 . NegativeDiscourse

2 . Traditionalists

حالی که فراستی‌ها، معتقدند که تهدیدات مرزی صرفاً جنبه نظامی ندارد و می‌توان برای آن طیف متنوعی از تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، فناوری و ... قائل شد. در چنین چشم‌اندازی امنیت مرزی مقوله‌ای پیچیده و چند بعدی ارزیابی می‌گردد (Fisher, 1993: 5).

تأکید بیش از اندازه بر مفهوم تهدید و در حاشیه قرار گرفتن مفهوم امنیت نسبت به مفاهیم بدیلی چون صلح، منجر به شکل‌گیری جریانی انتقادی در حوزه مطالعات امنیتی گردید که در پی احیاء امنیت و اولویت بخشیدن به آن بودند.

در این گفتمان جدید است که به گفته «رابرت ماندل» امنیت شأنی تأسیس یافته و از انحصار تهدیدات بیرونی خارج می‌گردد، بدین صورت که امنیت در نبود تهدید بلکه در کاهش شکاف بین خواسته‌های شهروندی با توان پاسخگویی حکومت به این نیازها، در کنار دفع تهدیدات بیرونی معنا می‌دهد (Mondel, 1994: 12).

نتیجه این تأمل نظری دلالت بر صحت این گزاره بنیادین دارد که: امنیت مرزی لزوماً از ناحیه خطرات بیرونی در معرض تهدید نیست، بلکه آنچه در حال حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، پیدایش محرومیت نسبی (Gurr, 1998: 65) در قلمرو داخلی و مرزهاست که می‌تواند از ناحیه مقایسه تطبیقی بین وضعیت ساکنان یک واحد سیاسی با وضعیت افراد مشابه در کشورهای دیگر جامعه جهانی، با کارگزاری مؤثر رسانه‌ها پدید آید (Eftekhari, 1999: 27).

به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان داشت که گفتمان ایجابی با بهره‌مندی از مبانی تئوری محرومیت نسبی، توانست نقطه اتکاء امنیت مرزی را از خارج به داخل واحد سیاسی منتقل سازد و امنیت مرزی را به مفهومی درون‌نگر تا برون‌نگر تبدیل سازد.

۲ - گذار از ژئوپلیتیک به ژئوکالچر

ایمانوئل والرشتاین در کتاب «سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی» از بروز تغییری اساسی در «نظام تصمیم‌سازی» سخن می‌گوید که جوهره آن را گذار از لایه‌های سخت به

لایه‌های نرم تصمیم‌سازی در حوزه سیاست شکل می‌دهد.

به عبارت دیگر اگر از اواخر قرن ۱۹ به این سو چنین گمان می‌رفت که تصمیم‌بازیران سیاسی به میزان زیادی مبتنی و متأثر از عوامل جغرافیایی است که وسعت، موقعیت، توانمندی‌های طبیعی، شکل ظاهری و کیفیت سرزمین از تجلیات اصلی آن بود، این نگرش با نزدیکتر شدن به سال‌های پایانی قرن بیستم مورد چالش واقع شده و جای خود را به بنیادها و ملاحظات فرهنگی می‌دهد (Wallerstein, 1991: 25). این تحول از آن حیث مهم است که مطالعه فرهنگی حکومت یا همان ژئوکالچر را جایگزین مطالعه جغرافیایی حکومت یا همان ژئوپلیتیک می‌نماید و بدین‌وسیله تصویر «متصلب» از مرز مورد بازنگری قرار گرفته، تصویری سیال از آن ارائه می‌گردد که لزوماً مطابق با خطوط ترسیمی بر روی نقشه‌های سیاسی نیستند.

۱-۵- تجربیات جهانی در زمینه الگوهای مدیریت و کنترل مرز

نزدیک گرفته تا کشورهای دور، آغازگر دور جدیدی از روابط میان کشورهاست. اما علی‌رغم تأثیرات روزافزون جهانی شدن و قدرت‌یابی سازمان‌های فراملی، دولت‌ها همچنان واحد بنیادین در نظام سیاسی جهان معاصر هستند. در حقیقت «دولت»، یک نماد سیاسی و حقوقی معتبر و شناخته شده در سطح بین‌الملل است که نسبت به سرزمین خاصی، به‌واسطه ترسیم مرزها در تعیین یکپارچگی سرزمین و محدوده‌ای خاص، اعمال حاکمیت می‌کند. بنابراین یکی از دغدغه‌های فکری و علمی مسئولان هر کشور، مدیریت و کنترل مرز در ابعاد گوناگون است. در این راستا، هر کشوری دارای شکل جغرافیایی مرزی خاص، جغرافیای انسانی و فرهنگی ویژه‌ای در مرزهای خود دارد و مدیریت و کنترل مرز را بر اساس اولویت‌های خود سنجیده و عملیاتی می‌کند. در این بخش تلاش خواهد شد تا بر اساس شاخص‌ها، الگوها، روندها و استانداردهای مدیریت و کنترل مرز، تجارب و دستاوردهای کشورهای مناطق گوناگون جهان بررسی گردد.

۱-۱-۵- مرز مشترک ایالات متحده آمریکا - مکزیک

مرزهای ایالات متحده و مکزیک یکی از مرزهای مهم جهان محسوب می‌شود چرا که در طول این مرز شرایط طبیعی ویژه‌ای حاکم بوده که مسائل و ملاحظات آن را نیز ویژه ساخته است. مرز مشترک آمریکا - مکزیک یکی از پرترددترین مرزهای بین‌المللی محسوب می‌شود. مطابق آمارها ماهیانه نیم میلیون نفر از این مرز تردد می‌کنند. به طوری که به دلیل همجواری ایالات متحده با کشور مکزیک به محل قاچاق مواد مخدر، انسان و اسلحه تبدیل شده است. یکی دیگر از مسایل مرزی آن، مهاجرت غیرقانونی است که یکی از مشخصه‌های اصلی این مرز مهاجرت غیرقانونی و تضاد دو سوی مرز از جهت توسعه یافتگی و توانمندی‌های اقتصادی است (Cook, 2007: 10). بنابراین برای مدیریت و کنترل مرز آمریکا - مکزیک چهار سطح تعریف شده است:

- ۱ - کمک مالی - فنی ایالات متحده به مکزیک جهت مقابله با ملاحظات امنیت داخلی؛
- ۲ - افزایش همکاری‌های دولتی فدرال - فدرال و محلی؛
- ۳ - بهره‌گیری و ارتقاء تکنولوژی در کنترل مرز؛
- ۴ - افزایش اقدامات نظامی و حفاظت فیزیکی مرز (www.Rand.org).

۲-۱-۵- مرزهای مشترک منطقه مثلث طلایی

مرز کشورهای منطقه مثلث طلایی شامل میانمار، تایلند، لائوس و ویتنام نه تنها منبع بی‌ثباتی داخلی است بلکه تهدیدات امنیتی فراملی را نیز باعث شده است. علاوه بر تولید و قاچاق مواد مخدر، گروه‌های سازمان‌یافته قاچاق موجبات صدور این مواد به کشورهای دیگر و همچنین ایجاد درگیری در مرزها را فراهم می‌نمایند. به طوری که در سال ۲۰۰۲ فعالیت‌های غیرقانونی در مرزهای میانمار و تایلند منجر به برخوردهای شدید مرزی به مدت پنج ماه میان این دو کشور شد. از این رو مسأله منطقه مثلث طلایی به نوعی مشکل امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود در زیر به تعدادی از اقدامات مدیریت و کنترل مرزهای منطقه مثلث طلایی اشاره می‌شود:

- **کمک‌های خارجی:** کمک نهادهای بین‌المللی به کشورهای منطقه یکی از مهمترین عوامل اصلی کنترل مرزی منطقه به حساب می‌آید چرا که بیشتر کشورهای منطقه بدون کمک‌های خارجی قادر به از بین بردن ریشه‌های تولید و قاچاق موادمخدر نخواهند بود. این کمک‌ها در اصول کلی زیر صورت پذیرفته است:

۱ - کمک به مناطق مرزی و نهادهای عملیاتی در حوزه کنترل مرز کشورهای منطقه؛

۲ - کمک به سازمان‌های منطقه‌ای دخیل در برنامه‌های بشردوستانه؛

۳ - کمک ویژه به اقلیت‌های قومی منطقه و کمک به فرآیندهای توسعه‌ای (Boonwaat, 2001: 85).

- **بهبود و ارتقاء زیر ساخت‌ها و خدمات اجتماعی در مناطق مرزی:** به‌طور عمومی مناطق مرزی در حوزه این کشورها در حداقل قرار دارند. حتی این مناطق به دلیل دورافتادگی، تراکم کم جمعیتی و عوارض سخت جغرافیایی از خدمات اجتماعی همچون بهداشت، آموزش و آب آشامیدنی به دور است. اما پس از سال ۲۰۰۱ و با افزایش اعطای کمک‌های خارجی بویژه از سوی نهادهای مالی جهانی به مانند بانک جهانی و ایجاد ثبات در مناطق مرزی میزان تولید موادمخدر در این مناطق ثبات پیدا کرد.

- **اقدامات نظامی و پلیسی علیه فعالیت‌های قاچاقچیان:** شرایط امنیتی منطقه جنوب شرق آسیا از دهه ۶۰ میلادی رو به بحران گذاشت و این امر موجبات تشکیل گروه‌های قاچاق را فراهم آورد. اما در سال‌های اخیر با قدرت‌گیری دولت مرکزی بویژه در کشورهای میانمار، لائوس و ویتنام که تولیدکننده عمده موادمخدر هستند، این مسأله به حداقل رسیده است. مطابق آمار سازمان‌های بین‌المللی، دولت میانمار برای امنیت‌سازی در مناطق مرزی خود با شناسایی ۲۵۰۰ روستای تولیدکننده، اقدام به تخریب مزارع و دستگیری گروه‌های مسلح آن کرده است (Boonwaat, 2001: 112).

۳-۱-۵- اقدامات مدیریت و کنترل مرز آفریقای جنوبی

مرزهای آفریقای جنوبی دارای ویژگی‌های خاصی است که از جمله می‌توان به تفاوت

ساختاری کشور آفریقای جنوبی و کشورهای همسایه آن است که این تفاوت ساختاری، امنیت مرزهای این کشور را شکننده ساخته است. در زیر اقدامات مدیریت و کنترل مرزهای این کشور به اختصار ذکر می‌شود:

- **کنترل مداخل و ورودی:** با توجه به اینکه تفاوت‌های عمده‌ای در بازرسی، کشف و کنترل مداخل ورودی در زمین، هوا و دریا وجود دارد آفریقای جنوبی نیز از استانداردها و ابزارهای متعدد و متنوعی برای این امر در نظر گرفته است. به این صورت که علاوه بر بهره‌گیری از تکنولوژی‌های بازرسی و کشف در فرودگاه‌ها و گمرکات، بازرسی فیزیکی از عناصر اصلی کنترل مسافران و محموله‌ها به‌شمار می‌آید.

- **تفکیک وظایف نهادهای دخیل:** در سال‌های اخیر، با وجود تکثر نهادهای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، کالا، اسلحه و مهاجرت غیر قانونی در کشورهای دیگر جهان، در آفریقای جنوبی با واگذاری وظایف مستقل به هر یک تلاش داشته‌اند تا برای هر یک از این نهادها وظایف و کارکردهای جداگانه‌ای تعیین گردد. به‌عنوان نمونه، وظیفه وزارت امور داخلی؛ خط‌مشی‌گذاری و تعیین وضعیت مقیمان است، پلیس؛ وظیفه کنترل امور داخلی و نیروهای نظامی؛ تمرکز بر پست‌های مرزی و حفاظت از مرزها و فنس‌های فیزیکی بویژه در مرزها با موزامبیک و نظارت الکترونیکی بر سیستم‌های بازرسی مرزی است (Handmaker, 2002: 35).

الگوهای جهانی مدیریت و کنترل مرز

مرز مشترک	مسائل و موضوعات	اقدامات مدیریتی و کنترلی
۱ آمریکا - مکزیک	<ul style="list-style-type: none"> ✓ جرائم سازمان یافته (قاچاق موادمخدر - سلاح)؛ ✓ مهاجرت (غیرقانونی - قاچاق انسان)؛ ✓ تروریسم و شرارت. 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کمک‌های مالی - فنی آمریکا به مکزیک جهت مقابله با نامنی‌ها؛ ✓ افزایش همکاری‌های دولتی - فدرال و محلی؛ ✓ بهره‌گیری و ارتقاء تکنولوژی‌های مورد استفاده در مرز؛ ✓ افزایش اقدامات نظامی - انتظامی و حفاظت فیزیکی مرز.
۲ کشورهای منطقه مثلث طلایی (میانمار - لائوس - تایلند - ویتنام)	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کشت موادمخدر سنتی و تولید موادمخدر جدید؛ ✓ شبکه‌های مافیایی موادمخدر؛ ✓ درگیری‌های مرزی. 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کمک نهادهای بین‌المللی به کشورهای منطقه: - کمک به مناطق مرکزی برای توسعه‌یافتگی؛ - کمک به واحدهای مرزبانی برای کنترل بیشتر مرز؛ - کمک به سازمانهای منطقه‌ای؛ - کمک ویژه به اقلیت‌های قومی؛ - تسریع در فرایندهای توسعه؛ ✓ بهبود و ارتقاء زیرساخت‌های و خدمات اجتماعی در مناطق مرزی؛ ✓ اقدامات پلیسی علیه قاچاقچیان.
۳ آفریقای جنوبی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ مهاجرت؛ ✓ قاچاق موادمخدر. 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کنترل مداخل و ورودی؛ ✓ تفکیک وظایف نهادهای دخیل (وزارت امور داخلی، گمرک، نیروهای نظامی و انتظامی).

Model: Heidari, 2009

۲-۵- ژئوپلیتیک مرزهای شرقی کشور

به عقیده بیشتر صاحب‌نظران، مهمترین نقش مرز، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است و تلاش کشورها بر این است تا جایی که ممکن باشد مرزهای آنها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آنها بر سرزمین خود دچار خدشه نشود و امنیت کشور در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. البته از آنجا که کنترل مؤثر مرز نیاز به هزینه‌های سنگین، سامانه‌های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان‌یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه و حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی دارد، در بین کشورهای جهان، تنها دولت‌های انگشت‌شماری مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، یوگسلاوی در زمان تیتو، کوبا و چند دولت

اروپایی و آمریکای شمالی، قادر به ایجاد سیستم و مدیریت مؤثر برای اداره مرزهایشان شده‌اند و بسیاری از کشورهای دیگر از عهده تهیه و تنظیم ساز و کاری مناسب و کارآمد برای اداره مرزهای کشور بر نیامده‌اند (Heidarifar, 2010: 130).

ایران (به همراه چین)، پس از جمهوری فدراتیو روسیه، بیشترین همسایه را در جهان دارد. ایران امروزی بخشی است از امپراطوری ایران است که مرزهای آن در قسمت اعظم تاریخ دو هزار و پانصد ساله‌اش رودهای سیحون و سند از شمال شرقی و مشرق رود فرات در مغرب و کوههای قفقاز در شمال غربی تشکیل می‌داده است. مرزهای فعلی ایران در زمان قاجاریه در اثر شکستی که ایران در جنگ با روسیه از یک طرف و دولت عثمانی از طرف دیگر و با دخالت کشورهای مثل انگلیس که منافع خود را در مشرق ایران خاصه در هندوستان یافته بودند به وجود آمد. مرز شرقی ایران بعد از امضای عهدنامه پاریس و جدا شدن خاک هرات و ممالک افغانستان از ایران به وجود آمد (رجب ۱۲۷۳ ه.ق). ایران از سمت شرق با کشورهای افغانستان و پاکستان هم‌مرز است. ایران با افغانستان در طول خطی از دهانه ذوالفقار (نقطه مرزی مشترک بین ایران و افغانستان و ترکمنستان) در شمال تا کوه ملک سیاه در جنوب (نقطه مرزی با پاکستان) حد مشترک دارد. طول این خط مرزی در حدود ۹۴۵ کیلومتر است. مرز ایران و پاکستان، زمانی که پاکستان ضمیمه هند و از متصرفات انگلستان محسوب می‌شد، به دست مأموران انگلیسی تحدید و به موجب پروتکل‌های ۱۲۸۸ ق. پس از گذشتن از رودخانه ماشکید در کنار دریای عمان در جنوب تا کوه ملک سیاه (نقطه مرزی ایران و افغانستان و بلوچستان) در شمال تعیین گردید. طول خطوط مرزی ایران و پاکستان در حدود ۹۸۷ کیلومتر است (Karimipoor, 2000: 222).

۳-۵- تهدیدات مترتب بر ژئوپلیتیک مرزهای شرقی ایران

مرزهای شرقی ایران به دلیل ساخت ژئوپلیتیکی ناشی از همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان، تهدیدات فراوانی را تجربه کرده است که عبارتند از:

۱- توسعه کشت خشخاش و افزایش قاچاق مواد مخدر و تداوم شرارت‌های مرتبط با آن در

شرق کشور؛ ۲- تروریسم؛ ۳- بحران هیدروپلیتیک و مساله هیرمند و آب سیستان؛ ۴- مساله پشتونستان و بلوچستان بزرگ؛ ۵- افزایش بی اعتمادی قبایل پشتون نسبت به سیاست‌های عملی ایران؛ ۶- شکل‌گیری یک دولت لیبرال در افغانستان؛ ۷- حذف ایران از مسیر خط و لوله نفت و گاز آسیای مرکزی (Hafeznia, 2001: 23).

۱-۳-۵- تهدیدهای مترتب بر ترانزیت و قاچاق مواد مخدر

آثار زیانبار و شوم پدیده مواد مخدر و قاچاق بین‌المللی آن، همه کشورهای جهان را تهدید می‌کند به گونه‌ای که هم اکنون تلاش‌های بین‌المللی با هدف کاهش و کنترل مواد مخدر و مبارزه با سوء مصرف و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با تکیه بر مشترکات و منافع متقابل کشورها و مبتنی بر کنوانسیون‌های مواد مخدر، در دستورکار سازمان ملل متحد و دولت‌ها قرار گرفته است (Haghpanah, 1998: 65). پیچیدگی و سازمان‌یافته شدن جرم مواد مخدر و قاچاق بین‌المللی آن، امنیت و حاکمیت کشورها را تهدید می‌نماید که در ذیل به برخی از شقوق این تهدیدها پرداخته می‌شود:

۱- کشت وسیع و تولید انبوه مواد مخدر در افغانستان؛ ۲- گسترده‌گی مرزی با پاکستان و افغانستان و سایر همسایگان؛ ۳- هزینه بر بودن مبارزه، بویژه در انسداد، استحکام و کنترل مرزها؛ ۴- قاچاقچیان بین‌المللی، منطقه‌ای و بعضی افراد بومی؛ ۵- بازار پر رونق مواد مخدر در کشورهای اروپایی، آمریکایی و آفریقایی؛ ۶- مجاورت با مراکز تجاری منطقه‌ای از جمله دبی و بحرین و مساله پولشویی؛ ۷- وجود مشترکات قومی، فرهنگی و خویشاوندی در مرزهای شرقی کشور؛ ۸- سودآور بودن تجارت قاچاق مواد مخدر؛ ۹- سرریز شدن مواد مخدر به داخل کشور و افزایش عرضه و تقاضای سوء مصرف مواد؛ ۱۰- هزینه‌های فردی و اجتماعی مبارزه با ترانزیت؛ ۱۱- اجتناب‌ناپذیر بودن انتقال مواد مخدر تولید شده در افغانستان به سایر مناطق جهان (Abrar Moaser, 2007: 33).

۲-۳-۵- تروریسم

تروریسم به اقداماتی گفته می‌شود که توسط اشخاص، گروه‌ها و دولت‌ها جهت ایجاد رعب و وحشت در رسیدن به اهداف انجام می‌گیرد. در این راستا با اشغال افغانستان توسط نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۱ معضلات و مشکلات این منطقه بیش از گذشته افزایش داد. مقامات ارشد دولتی در ایران معتقدند که گروه جُنْدا... تحت تأثیر تفکرات طالبانیسم هستند که دست به اقدامات تروریستی در مناطق شرقی می‌زنند. در این راستا، گروه القاعده نیز پس از اشغال افغانستان بخشی از نیروهای خود را در امتداد مرزهای ایران مستقر کردند (Tayeb, 2003: 25). اولین چیزی که در تحلیل چرایی هرگونه اقدام تروریستی به ذهن متبادر می‌شود، ترکیب جمعیتی متفاوت مناطقی است که درگیر این حوادث هستند.

۳-۳-۵- تهدیدات مترتب بر شرارت

کشور ایران را می‌توان به لحاظ تعدد کشورهای همسایه و همچنین تنوع تهدیدات و مسایل و مشکلات گوناگونی که با آن روبروست، از معدود کشورها از این حیث به‌شمار آورد. که در یک نگاه کلی می‌توان تهدیدات محورهای ناامنی را به‌صورت مشترک در عوامل ذیل جمع‌بندی نمود:

۱- قاچاق کالا؛ ۲- قاچاق مواد مخدر؛ ۳- خروج میراث فرهنگی؛ ۴- قاچاق سلاح و مواد مخدر؛ ۵- ورود و خروج جاسوس‌ها و افراد ضد انقلاب؛ ۶- تردهای غیرمجاز مرزی البته تهدیدات دیگری از جمله راهزنی، سرقت‌های مسلحانه، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، قتل‌های مسلحانه، درگیری‌های قومی، قبیله‌ای و... در بعضی از مناطق مرزی وجود دارد که همگی آنها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با تهدیدات ذکر شده در بند ۱ تا ۶ مرتبط می‌باشد؛ به‌عنوان مثال بخش قابل توجهی از گروگان‌گیری‌ها، سرقت‌ها و آدم‌ربایی‌ها در مناطق مرزی شرق کشور بویژه استان‌های خراسان رضوی و جنوبی در ارتباط با معاملات مواد مخدر می‌باشد (Mirheidar, 2000: 45).

۴-۵- عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر کارکرد مرز

۱-۴-۵- رویکردهای سیاسی کشورهای همسایه نسبت به یکدیگر

یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر ایفای نقش مؤثر مرزها، نوع نظام‌های سیاسی در دو کشور همسایه و به تبع آن، نگرش آنها نسبت به یکدیگر و نوع روابط آنهاست که از دیرباز، این رابطه براساس نیازهای متقابل شکل گرفته است به گونه‌ای که کشوری نمی‌تواند ادعا کند بدون رابطه با دیگران، می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. بنابراین، نوع نگرش دو کشور همسایه نسبت به هم، تعیین‌کننده نوع روابط بین دو کشور است؛ در نتیجه، چنین وضعیتی بر هر دو کارکرد مرز، یعنی کارکرد ارتباطی و امنیتی تأثیر مثبت دارد؛ به نحوی که همکاری‌های اقتصادی دو طرف موجب گسترش مبادلات مرزی و رونق ارتباطات مرزی می‌شود و همکاری‌های نظامی و امنیتی دو کشور نیز باعث بهبود امنیت در مرزها می‌شود.

۲-۴-۵- مناسبات اقتصادی

یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهمترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه کشور است. بی‌شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که مُخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد (Andalib, 2001: 203). همچنین، اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی و همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز، به‌طور قطع تأثیر منفی بر کارکرد امنیتی مرزها خواهد داشت. به این علت که وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه، منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می‌گردد، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز

کنند. یکی از عوامل اصلی افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر از طریق مرز شرقی ایران، وجود اختلاف سطح توسعه و درآمد بین دو کشور و فقر و بیکاری شدید موجود در کشور افغانستان است (Roknedin Eftekhari, 2009: 90).

۳-۴-۵- رویکرد نظام‌های سیاسی به مرز

قرار گرفتن یک کشور در یک منطقه آرام و بی‌تنش و مجاورت با کشورهایی که از ثبات نسبی برخوردار بوده و دارای سطح قابل قبول رفاه اقتصادی هستند، یا قرار گرفتن در یک منطقه پرتنش و مجاورت با کشورهای بی‌ثبات، وابسته، ضعیف و فقیر، هر یک تأثیر مهمی بر سیاست‌ها، طرح‌ها و نگرش‌های یک کشور در همه زمینه‌ها و از جمله در مسائل مرزی خواهد داشت؛ به عبارت دقیق‌تر، امنیت ملی دولت و ملت‌ها و به تبع آن سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها تحت تأثیر نوع فضای راهبردی مسلط بر امنیت منطقه‌ای است؛ چنان‌که تشکیل جزیره ثبات در دریاها یا نامن منطقه‌ای ممکن نیست و یا ناپایدار خواهد بود. برعکس ناآرامی و بحران‌های طولانی مدت، در مناطق با ثبات، دوام چندانی ندارد و با واکنش فوری و دسته‌جمعی بازیگران یک‌دست و متفق منطقه‌ای، تحت کنترل قرار خواهد گرفت (Karimipoor, 2000: 12).

۳-۴-۶- اقلیت‌های قومی، مذهبی، زبانی

وجود اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی بین ساکنان دو سوی مرز، دو تأثیر متفاوت را بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرز دارد؛ به نحوی که در مورد کارکرد امنیتی مرز، اشتراک مذهبی، قومی و فرهنگی بین ساکنان دو سوی مرز عموماً تأثیر منفی بر امنیت مرز دارد. البته میزان همگرایی یا واگرایی قومی - فرهنگی این گروه‌های اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی نقش مهمتری در این زمینه دارد؛ به عبارت دیگر اگر این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسئله تأمین امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی با مشکل کمتری مواجه است. اما هرگاه به دلایل متعدد این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به

گروه‌های اجتماعی آن سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسئله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی مواجه می‌شود (Hafeznia, 2002: 151).

۵-۴-۵- پویایی جمعیت در دو سوی مرز

نحوه عبور خط مرز بر نحوه استقرار و جابه‌جایی جمعیت و جغرافیای زیست مردم تأثیرگذار می‌باشد. از این رو، مناطق مرزی به‌طور عمده، مناطق توسعه‌نیافته و زندگی در آنها به شیوه‌های اولیه و بویژه متکی بر اقتصاد رمه‌گردانی همراه با کوچ روی است. این امر، احساس تعلق به زمین و سرزمین را در بین مرزنشینان کاهش می‌دهد. در مراحل بعدی، بویژه در شرایطی که مرزها محل ناآرامی‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل‌های امن‌تری کوچ می‌کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کمتر و ناپایداری جمعیت بیشتر می‌گردد این پدیده در فرایند توسعه و امنیت مناطق مرزی تأثیر منفی می‌گذارد.

۵-۴-۶- مناسبات مرزنشینان در دو سوی مرز

نوع نگرش مرزنشینان نسبت به مرز، به میزان وفاداری ملی و میزان اعتقاد آنها به طرح‌ها و برنامه‌های حکومت مرکزی در مناطق مرزی بستگی دارد. بر این اساس، مرزنشینان با توجه به نوع نگرش خود به مرز، دو رفتار متفاوت را از خود نشان خواهند داد. چنانچه مرزنشینان با حکومت مرکزی خود همگرایی نشان دهند و میزان وفاداری ملی در آنان بالا باشد، شرایط توسعه و امنیت در آن مناطق فراهم می‌شود، چرا که احساس تعلق سرزمین، باعث افزایش انگیزه و کوشش در تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی طرح‌های امنیتی حکومت مرکزی می‌شود و ضمن افزایش ضریب توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی باعث افزایش انگیزه دفاع از کشور و سرحدات و کاهش میزان ناامنی می‌گردد. در نتیجه این شرایط بر کارکرد ارتباطی و امنیتی مرزها تأثیر مثبت خواهد داشت.

۵-۴-۷- پیوندیافتگی کشورهای هم‌مرز با قدرت‌های خارج از منطقه

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کارکرد مرزها، وجود پیمان‌های سیاسی- دفاعی است که

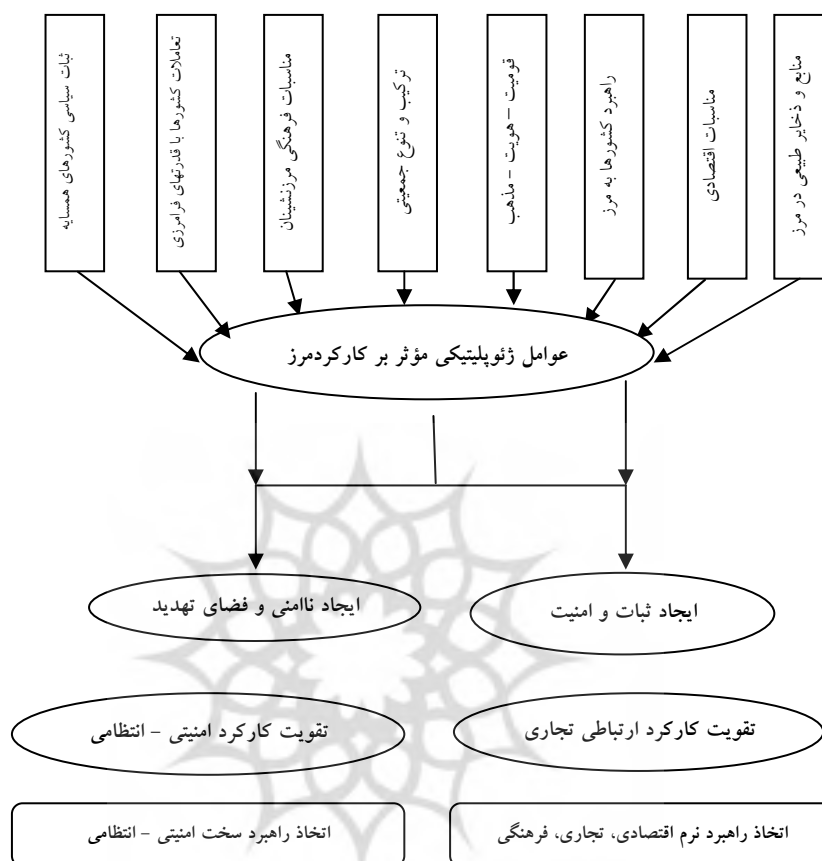
کشورهای منطقه به دلیل ضعف قدرت ملی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای منعقد می‌کنند و بدین ترتیب زمینه را برای دخالت در کشور مزبور و حتی مناطق مرزی کشور مجاور فراهم می‌سازند. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه ایالات متحده آمریکا، اتحاد اروپا و ناتو و همچنین رژیم صهیونیستی در کشورهای مجاور ایران با توجه به سابقه دشمنی و خصومت آنان با جمهوری اسلامی، بدون شک تأثیرات منفی بی‌شماری بر امنیت ملی ایران به طور عام و امنیت مناطق مرزی به طور خاص خواهد داشت.

۸-۴-۵- ثبات سیاسی کشورهای همسایه

وجود ثبات یا بی‌ثباتی در یک کشور، حداقل از دو بُعد تأثیر مهمی بر کارکرد مرزها دارد: اول اینکه، هرگونه بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور ضمن ایجاد بحران در امور داخلی کشور مزبور، باعث سرایت بحران و پیامدهای مخرب آن به کشورهای همجوار بویژه مناطق مرزی خواهد شد. دوم اینکه، بی‌ثباتی سیاسی و تغییر بی‌درپی حکومت‌ها، منجر به عدم ثبات در وضع و اجرای قوانین و مقررات می‌شود که باعث عدم توسعه پایدار در مناطق مرزی می‌گردد.

۹-۴-۵- وجود منابع طبیعی در مناطق مرزی و مسئله امنیت مرزها

وجود ذخایر و منابع طبیعی در منطقه مشترک مرزی می‌تواند هم تهدید باشد و هم فرصت محسوب گردد، اگر دو کشور هم‌مرز دارای روابط حسنه‌ای با هم باشند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته باشند، به تبع آن در زمینه بهره‌برداری از ذخایر و منابع مشترک مرزی این همکاری و مشارکت ادامه خواهد یافت. بدین‌سان، دو کشور با انجام سرمایه‌گذاری مشترک، اجرای طرح‌های مشارکتی و استفاده از قابلیت‌های طبیعی و انسانی منطقه مرزی باعث افزایش رشد و توسعه فراگیر در مناطق مرزی می‌شوند. رشد و توسعه مناطق مرزی هم بر کارکرد ارتباطی و هم بر کارکرد امنیتی مرزها تأثیر مثبت خواهد داشت. ممکن است منابع و ذخایر طبیعی موجود در مناطق مرزی بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرز تأثیر منفی بگذارد.



مدل مفهومی تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی بر کارکرد مرزها
Model: Heidari, 2009

۱۰-۴-۵- شاخص‌های مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور

کلمه «مرز» همواره با تعیین حدود و تأمین امنیت مرزی مترادف است و از زمان پیدایش مرزهای سیاسی در شکل جدید، بحث مدیریت و کنترل مرزها، نگرانی دائمی و چالش جدی حکومت‌ها بوده است. ابعاد و اعمال حاکمیت یک واحد سیاسی نسبت به دیگر واحدهای سیاسی، حدود قلمرو و ثغور کشور را مرز تعیین می‌کند، علاوه بر تمایزبخشی دولت‌ها از یکدیگر مرز دارای کارکردهای امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی، سیاسی و فرهنگی

می‌باشد. به‌طور کلی، کنترل مرز به اقدامات و روندهایی اطلاق می‌شود که از سوی یک کشور جهت نظارت و حفاظت از مرز بر روی جریان افراد، کالا و حیوانات در سرتاسر مرز اعمال می‌شود (Hafeznia, 2002: 12) و از این‌رو، جهت مدیریت و کنترل بهتر مرز در موارد مذکور، نیاز به تعیین استانداردها و الگوهای مشخص با شاخص‌های مرتبط در به حداقل رساندن آسیب‌پذیری و حداکثرسازی موارد کنترلی است. در این میان اهداف راهبردی چنین مدیریتی در برگیرنده موارد زیر خواهد بود:

۱- حفر کانال؛ ۲- انسداد دهانه‌های مرزی؛ ۳- سیم خاردار؛ ۴- احداث پاسگاه و برجک‌های مرزی؛ ۵- خاکریز؛ ۶- راه مرزی؛ ۷- انسداد الکترونیکی (Matthew&Shamberk, 1999: 66).

همجواری کشورمان با دو کشور افغانستان و پاکستان که یکی از قطب‌های مهم تهیه و تولید مواد مخدر در جهان به‌شمار می‌آیند، سعی و تلاش گروه‌های قاچاق مواد مخدر در انتقال (قاچاق) مواد مخدر از طریق این دو کشور به کشورمان می‌باشند، شرایطی را به‌وجود آورده است تا این بخش از مرزهای کشور به یکی از پرمسئله‌ترین مرزهای کشور تبدیل شود. به‌طوری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صرف‌نظر از درگیری‌های مرزی در مرزهای جنوبی و غربی کشور به‌دلیل جنگ تحمیلی، بیشترین درگیری‌ها و کشمکش‌ها بین نیروهای مرزی جمهوری اسلامی ایران با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر بوده است. در به‌وجود آمدن این شرایط عوامل مختلفی مؤثر بوده است که در این قسمت به بخش‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

۱- وجود مزارع وسیع کشت خشخاش در دو کشور شرقی بویژه افغانستان و همچنین لابراتوارهای تهیه و تبدیل تریاک به هروئین و مرفین؛
۲- نزدیکی کشورمان به قاره اروپا به‌عنوان بازار عمده مواد مخدر جهان که قاچاقچیان را به انتخاب مسیر جمهوری اسلامی ایران ترغیب می‌نماید؛

۳- وسعت مرزهای شرقی کشورمان (۱۹۲۵ کیلومتر) که کنترل آن را برای نیروهای مرزی با مشکل مواجه نموده است؛

۴- وجود کویر پهناور و وسیع که از مرزهای شرقی کشور آغاز و تا مرکز کشور امتداد می‌یابد و امکان جابجایی را برای قاچاقچیان آسان و تعقیب و گریز را برای مأمورین دشوار ساخته

است؛

۵- طبیعت سخت و شرایط جغرافیایی نامساعد که به دلیل عدم امکان فعالیت‌های مؤثر کشاورزی و دامداری، افراد مرزنشین را به سمت این‌گونه فعالیت‌ها و لاجرم همکاری با قاچاقچیان وادار نموده است؛

۶- عدم رغبت کشورهای همجوار به امر کنترل و مراقبت از مرزهای همجوار با کشورمان به دلیل عدم انگیزه‌های لازم و ضعف دولت مرکزی؛

۷- ارتباطات قومی و قبیله‌ای اهالی مرزنشین در دو طرف مرز (Zarghani, 2007: 116).

در بررسی‌های به عمل آمده استحکامات مرزی اجرا شده و در مناطق شرقی کشور نقاط مثبت و منفی به شرح زیر بوده است:

الف: نقاط مثبت

- ۱- جلوگیری از ورود کاروان‌های خودرویی مواد مخدر به داخل کشور؛
- ۲- وادار نمودن قاچاقچیان به استفاده از مسیرهای طولانی‌تر و صعب‌العبورتر؛
- ۳- تقویت بنیه عملیاتی نیروهای مرزی در مقابله و برخورد با قاچاقچیان؛
- ۴- نیاز کمتر به نیروی انسانی.

ب: نقاط منفی

- ۱- ناکافی بودن طرح‌های اجرا شده جهت پوشاندن خلاءهای موجود
- ۲- عدم توجه نیروهای مرزی در استفاده از استحکامات مرزی
- ۳- عدم مراقبت از استحکامات ایجاد شده
- ۴- عدم توجه به اصول مهندسی در اجرای ابنیه و استحکامات مرزی
- ۵- ادامه ندادن و عدم تکمیل طرح‌ها در مناطقی که طرح‌ها اجرا شده است.
- ۶- عدم توجه به دانش فنی نوین و پیشرفته در اجرای طرح‌های استحکامات مرزی (Heidari, 2009: 22).

اصلاح نقاط منفی راهکارها و پیشنهادات زیر با هدف دستیابی به مرزداري نوین به‌نحوی که تأمین‌کننده آرمان‌های کشور در امر کنترل مرز باشد ارائه می‌گردد:

- ۱- استفاده از دانش جدید و پیشرفته در امر کنترل مرز؛
- ۲- تقویت و تجهیز نیروهای مرزبانی؛
- ۳- ایجاد انگیزه در بین نیروهای مرزی؛
- ۴- تقویت همکاری با کشورهای همجوار، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای؛
- ۵- تقویت همکاری‌های مشترک با سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های آنان؛
- ۶- استفاده از نیروهای مردمی در امر کنترل مرز؛
- ۷- ایجاد ساختار مناسب در سازمان نیروهای مرزی (Heidari, 2009: 23).

۶- یافته‌های تحقیق

الگوی مناسب برای کنترل و مدیریت مرزهای شرقی ایران

آنچه از مطالب پیش گفته شده استنتاج می‌شود این است که: ۱- ایران در همسایگی بلافصل منطقه هلال طلایی که بزرگترین تولیدکنندگان موادمخدر جهان محسوب می‌شوند، قرار دارد؛ ۲- قاچاقچیان موادمخدر در افغانستان به‌عنوان یکی از فعال‌ترین کشورهای هلال طلایی، ایران را به‌عنوان یک گذرگاه مهم برای انتقال موادمخدر به اروپا در نظر گرفته‌اند؛ ۳- استان‌های افغانستانی هم‌مرز با ایران (هلمند، فراه، نیمروز) از مهمترین مراکز تولید موادمخدر در افغانستان به حساب می‌آیند (Report, 2009: 12)؛ ۴- بنا به دلایل مختلف، سیستم امنیت مرزی ایران قادر به مقابله با قاچاق موادمخدر نیست. میزان مصرف موادمخدر در کشور شاخص خوبی برای این مدعاست. چه باید کرد؟ برای آنکه بتوانیم الگوی امنیت مرزی متفاوت و مؤثرتر از آنچه که هست ارائه دهیم باید ابتدا به بررسی و نقد الگوهای موجود پردازیم.

واقعیت این است که الگوی موجود برای حفظ امنیت شرقی کشور و مقابله با قاچاقچیان، یک الگوی سنتی است؛ این در حالی است که پیچیدگی مسئله قاچاق موادمخدر نیازمند بهره‌گیری از نیروها، روش‌ها و تکنولوژی جدید است. عالی‌ترین الگویی که تاکنون در ایران بویژه در مرزهای شرقی (مبادی و خروجی) برای مبارزه با موادمخدر به کار گرفته شده، استفاده توأمان و گسترده از نیروهای انتظامی، اطلاعاتی، ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بوده است. به عنوان مثال در یکی از این طرح‌های ضربتی بیش از ۳۰ هزار نیروی نظامی و انتظامی در مرز و ۲۰ هزار نیرو در عمق به کار گرفته شد که نتایج مورد انتظار را فقط برای مدت زمان محدودی به همراه داشت. افزایش هزینه‌ها، افزایش تلفات، افزایش درگیری‌ها و مؤثر نبودن این شیوه بویژه به دلیل مرزهای طولانی و عدم امکان کنترل تمام خطوط مرزی از نقاط ضعف این شیوه بوده است. البته تردیدی وجود ندارد که حتی پیشرفته‌ترین سیستم‌های حفظ امنیت مرزها با درجه‌ای از خطا همراه بوده و بویژه برای مرزهای طولانی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نمی‌توان الگویی ارائه داد که کاملاً مصون از خطا باشد. با این حال بایستی بین الگوهای موجود برای حفظ امنیت مرزها، الگویی را انتخاب کرد که کمترین هزینه و بیشترین بهره‌مندی را داشته باشد. در ذیل به بررسی الگوی حفظ امنیت مرزی که تقریباً جزء الگوهای پیشرفته و مؤثر بوده می‌پردازیم.

سیستم امنیتی که تا حد زیادی کارایی آن به اثبات رسیده سیاست مرزهای هوشمند ایالات متحده آمریکا است. این سیستم دارای سه زیر مجموعه است که عبارتند از: سیستم‌های تشخیص هویت بیومتریک، سیستم اطلاعات مهاجرتی، سیستم بازرسی محموله‌ها. این سیستم‌ها همکاری بیشتر را در میان مراکز مدیریت مرزها افزایش می‌دهد و آگاهی‌ها درباره ورود و خروج اشخاص و کالاها ارتقا می‌بخشند. هم‌اکنون در مرزهای کانادا و آمریکا و مرزهای آمریکا و مکزیک چنین سیستمی اعمال می‌شود.

سیستم امنیت مرزی هوشمند، علاوه بر ویژگی‌هایی که برای آن ذکر شد از یک سری ابتکارات دیگر نیز سود می‌برد که عبارتند از:

۱- عملیات Noble Eagle: این عنوانی است که برای تمامی عملیات نظامی که در واکنش به حملات یازده سپتامبر صورت می‌گیرد به کار برده می‌شود. در داخل گارد ساحلی این عنوان برای عملیاتی به کار می‌رود که در جهت امنیت گذرگاه‌های آبی و بندری و نیز جلوگیری از قاچاق انسان صورت می‌گیرد (www.Rand.org)؛

۲- ثبت ورود و خروج افراد: این کار شامل انگشت‌نگاری، عکسبرداری، و ثبت نام کسانی

می‌شود که می‌خواهند برای بیش از ۳۰ روز در کشور باقی بمانند و یا دستگیری، بازداشت و اخراج کسانی است که از تاریخ اقامت آنها گذشته باشد؛

۳- ابتکار امنیت کانتینرها: نزدیک به ۹۰٪ از محموله‌های جهان از طریق کانتینر صورت می‌گیرد. ابتکار امنیت کانتینرها با این هدف صورت گرفته است که تضمین نماید کانتینرهایی که وارد ایالات متحده می‌شوند، عاری از مشکلات امنیتی باشد؛

۴- سیستم مشارکت تجارت - گمرک: این سیستم با هدف تقویت رابطه کاری اداره گمرک و تجارت صورت می‌گیرد. زیرا تصور بر این است بسیاری از مشکلات امنیتی در قالب فعالیت‌های تجاری بروز می‌نماید و لذا هماهنگی بین اداره گمرک و بخش‌های خاص صنعت تجارت به رفع این مشکل کمک می‌کنند؛

۵- بهره‌گیری از افراد عادی: بر اساس این مکانیسم، سرویس‌های امنیتی آمریکا در مراکز مختلف از جمله مدارس، ادارات، کارخانجات و... افراد عادی و کارمند را به‌عنوان نیروی اطلاعاتی به‌کار گرفته تا افراد مشکوک را به نهادهای امنیتی معرفی کنند.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است چه الگویی می‌تواند در حفظ امنیت مرزهای شرقی کشور از جمله مبارزه با قاچاقچیان موادمخدر، اشرار، تردهای غیرمجاز و... مورد استفاده قرار گیرد؟ الگویی که برخی کشورها از آن بهره می‌جویند الگویی یکجانبه است و استقرار آن در مرزهای طولانی ایران با افغانستان بسیار هزینه‌بردار است. البته جمهوری اسلامی ایران در راستای پیاده کردن چنین الگویی، قرار بود یک سیستم الکترونیکی امنیتی را از روسیه خریداری کند که ۴۰ کیلومتر از مرزهای شرقی را پوشش دهد. ولی بعید است حتی در صورت تحقق چنین پروژه‌ای، این سیستم که «پرده آهنین» نام دارد بتواند کارایی سیستم امنیت جامع را داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد سیستم امنیتی مرزهای هوشمند که ایالات متحده آن را با مشارکت دوجانبه مکزیک و کانادا اجرا کرده، (آمریکا - کانادا، آمریکا - مکزیک)، از هزینه‌های کمتری برخوردار است و قدرت مانور کشورها را در تأمین امنیت مرزها افزایش می‌دهد. با این وجود به‌نظر می‌رسد عوامل مختلفی در اجرای یک الگوی امنیتی دخیل است که از کشوری به کشور

دیگر متفاوت است. سیستم امنیتی آمریکا می‌تواند راهنمای خوبی برای سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی کشور باشد ولی عین آن الگوها به دلیل تفاوت در منبع تهدید، قلمرو تهدید، ابزارهای تهدید و زمینه‌های تهدید قابل اعتماد نیست. الگوی حفظ امنیت مرزهای شرقی کشور باید بر پایه موازین و معیارهای زیر طراحی گردد:

۱- منبع تهدید: قاچاقچیان موادمخدر، اشرار، مهاجرت بی‌رویه، تردهای غیرمجاز، رخنه عوامل نفوذی دشمن و...؛

۲- قلمرو و تهدید: مرزهای شرقی کشور بویژه ۹۳۶ کیلومتر مرز مشترک ایران و افغانستان؛

۳- ابزارهای تهدید: درگیری‌های مسلحانه، آدم‌ربایی، گروگانگیری، استراق‌سمع، بمب‌گذاری؛

۴- زمینه‌های تهدید: فقدان دولت مرکزی مؤثر و کارا در افغانستان، تداوم و تطویل ناآرامی‌ها در افغانستان، حضور مهاجرین افغانی در ایران بویژه تمرکز آنها در نواحی مرزی ایران که به آنها امکان می‌دهد به‌طور غیرمجاز در دو سوی مرزها تردد نمایند (گفتنی است ۱۴ درصد جمعیت استان خراسان را مهاجرین افغانی تشکیل می‌دهد که ۹۰ درصد آنها در نواحی مرزی اسکان گزیده‌اند. افغانی‌هایی که در مرزها مستقرند به دلیل آشنایی با آن سوی مرزها بویژه مناطق کشت خشخاش، بیشتر به قاچاق موادمخدر رو آورده‌اند)، پیوندهای مذهبی در دو سوی مرزها که با ورود مهاجرین افغان به ایران تشدید شده است (با ورود مهاجرین افغانی و تمرکز آنها در نواحی مرزی، جمعیت اهل سنت در ایران افزایش یافته به‌گونه‌ای که موجب تقویت جامعه سنی مذهب در شرق ایران از بلوچستان تا تربت‌جام و پیوستگی جغرافیایی سرزمین‌های سنی‌نشین از دریای عمان تا مرزهای ترکمنستان شده است)، فقر اقتصادی در استان‌های مرزی بویژه سیستان و بلوچستان که عموماً از بحران توزیع ناشی شده است، گرایش‌های تجزیه‌طلبانه قومی که بویژه از سوی بیگانگان دامن زده می‌شود و...؛

۵- برای آنکه جمهوری اسلامی ایران بتواند با ناامنی‌های شرق کشور مقابله کند بایستی از زمینه‌های تهدید شروع کند و به رفع آن مبادرت ورزد. یعنی تلاش نماید دولتی با ثبات در افغانستان روی کار آید، برنامه کشت جایگزین خشخاش در افغانستان پیاده شود، مهاجرین افغانی بویژه مهاجرین مستقر در نواحی مرزی از ایران خارج شوند، آثار و تبعات ناشی از

اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز قومی رژیم گذشته از رخسار مردم منطقه پاک کرده. با اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای در قبال مناطق مرزی به جذب بهینه و حساب شده قومیت‌ها در ساختار فرهنگی کشور مبادرت ورزد. از آنجا که تحقق این سیاست‌ها به زمان زیادی نیاز دارد و حتی با فرض تحقق آنها نمی‌توان اطمینان داشت امنیت کامل به مرزهای ایران برگردد، لذا به موازات تلاش برای رفع زمینه‌های تهدید، بایستی سعی کرد با عوامل تهدید نیز مقابله شود. الگویی که جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف خود می‌تواند به کار بندد عبارتند از:

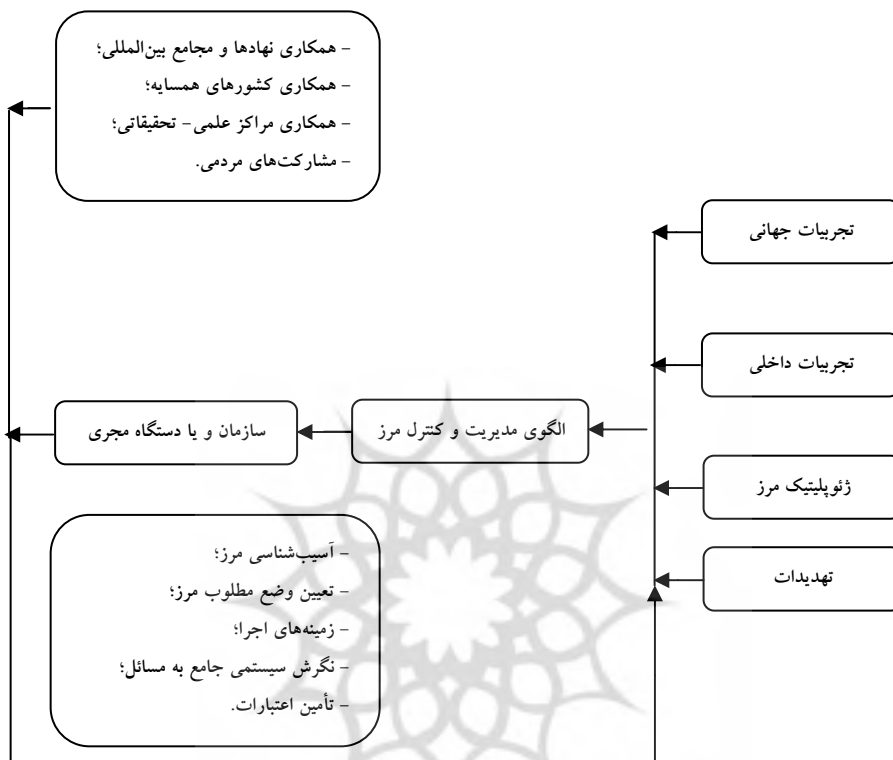
۱- مبارزه یکجانبه: یعنی جمهوری اسلامی با هزینه مادی و انسانی خود به مقابله با تهدید در مرزهای شرقی کشور پردازد. این الگویی است که تاکنون اعمال شده لیکن کارایی خوبی متناسب با اهداف ترسیم شده به دنبال نداشته ضمن اینکه هزینه‌های سنگینی را نیز بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است؛

۲- مبارزه دوجانبه: یعنی جمهوری اسلامی ایران و دولت افغانستان پیمانی منعقد نمایند که در چارچوب آن به مبارزه با قاچاق موادمخدر و عوامل اختلال کننده امنیت در مرزهای دو کشور پردازند. این مشابه الگوی امنیت مرزی هوشمند در روابط آمریکا با کانادا و مکزیک خواهد بود. البته باید تلاش نمود تمام خصائص و ویژگی‌های امنیت مرزی هوشمند نیز در این طرح گنجانیده شود. حسن این الگو آن خواهد بود که با هزینه‌های کمتر، کارایی بیشتر در مبارزه با موادمخدر حاصل می‌شود. عملی شدن این طرح مستلزم دو شرط است. اول اینکه یک دولت مرکزی قوی در افغانستان روی کار آید. دوم اینکه این دولت مرکزی اراده مبارزه با موادمخدر و همکاری صادقانه با ایران را داشته باشد. بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که چنین الگویی می‌تواند در سطح خردتر یعنی بین استانداری سیستان و بلوچستان و یا خراسان با ولایات همجوار ایران در افغانستان نیز پیاده شود. از آنجا که تا شکل‌گیری یک دولت قوی مرکزی در افغانستان زمان زیادی لازم است و حتی با وجود شکل‌گیری چنین دولتی باز هم فرماندهان و رهبران محلی و حاکم ولایات افغانی همجوار ایران نقش اصلی را در تشویق و یا ممنوعیت قاچاق موادمخدر خواهند داشت، به نظر می‌رسد انعقاد توافق‌نامه دوجانبه بین استان‌های مرزی ایران با استان‌های مرزی افغانستان سودمند باشد؛

۳- مبارزه چندجانبه: این الگو از طریق همکاری بین ایران و افغانستان و کشورها یا نهادهای ثالث دیگر عملیاتی می‌شود. چنین الگویی با مشارکت ایران، افغانستان و سازمان ملل و گاهی اوقات پاکستان نیز تجربه شده است. هرچه تعداد بازیگران دخیل در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر بیشتر باشد، بازدهی آن بیشتر و هزینه‌های آن کمتر خواهد بود؛

۴- مبارزه جهانی: این الگویی است که بر آن تأکید می‌شود و اگر عملی گردد احتمالاً نتایج آن از سایر گزینه‌ها سودمندتر خواهد بود. بر اساس این الگو، جمهوری اسلامی ایران باید سعی نماید مسئله مواد مخدر را به‌عنوان یک «معضل جهانی» در صحن مجامع بین‌المللی مطرح و خواهان مبارزه همه‌جانبه با آن گردد. اگر توجه جامعه جهانی به این «معضل جهانی» معطوف گردد، آن‌گاه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با دریافت کمک‌های مالی و نیز تکنولوژی‌های مدرن، در حد قابل قبولی از مرزهای خود محافظت به‌عمل آورد. در مسیر بین‌المللی و جهانی کردن معضل مواد مخدر، دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بایستی حول موارد زیر دور بزند: کشت جایگزین خشخاش به‌عنوان یک راه‌حل پایدار، تولیدات مواد مخدر از مردم افغانستان به‌عنوان گزینه‌ای که اگرچه ممکن است هزینه‌بردار باشد اما از زیانی بزرگتر جلوگیری می‌کند، خرید محصولات کشاورزی از مردم افغانستان با قیمت بالا به‌گونه‌ای که کشاورزان افغانستان را به کشت‌های دیگری غیر از مواد مخدر تشویق نماید، قاعده‌مند کردن تولید و عرضه مواد مخدر جهت کنترل مؤثر بر نحوه توزیع و تولید آن. در این قالب و با نگرش به تجربیات گذشته می‌توان اظهار داشت که مرزهای شرقی کشور به‌لحاظ امنیتی، هزینه‌های سنگینی برای جمهوری اسلامی ایران، در بر داشته است. راه‌حلی‌هایی که تاکنون آزموده شده‌اند امتحان خوبی پس نداده‌اند، بنابراین ضرورت تجدیدنظر در راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها برای ایجاد و تأمین امنیت و توسعه پایدار در مرزهای شرقی کشور وجود دارد.

مبانی تئوریک الگوی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی ایران



Model: Heidari, 2009

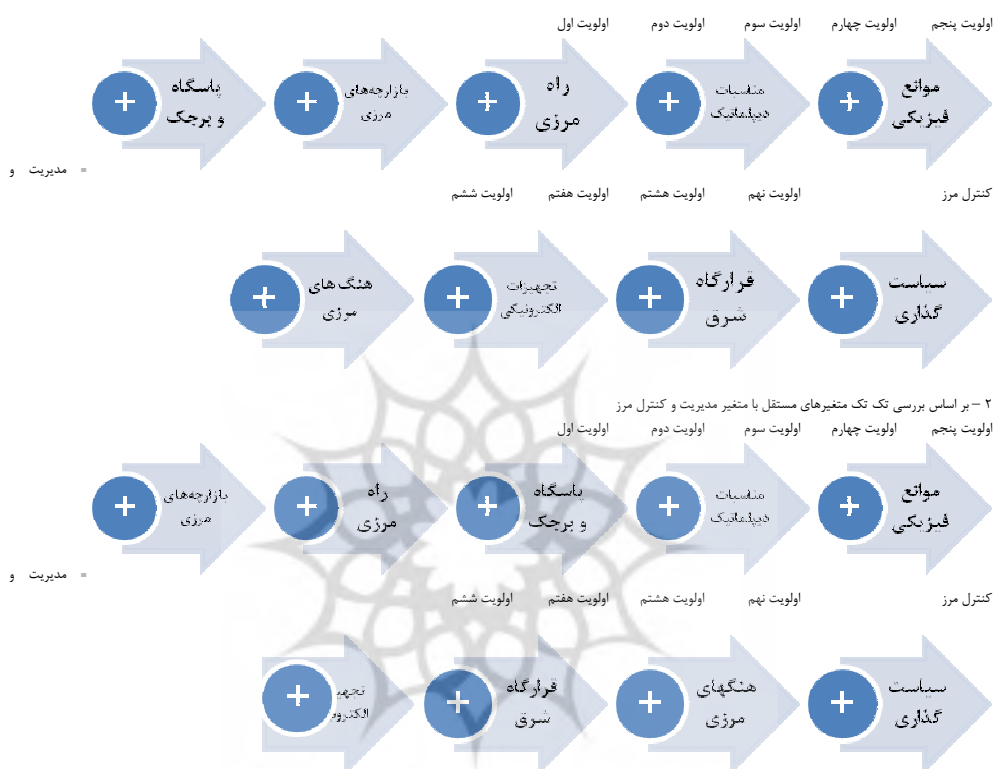
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتایج مطالعات پیمایشی مطابق با مدل رگرسیونی گام به گام در دو قالب جداگانه بدین شرح می‌باشد:

سؤالات	گویه‌ها	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
تأثیر حضور مرزنشینان در مناطق مرزی بر تردهای غیرمجاز، قاچاق سوخت، کالا و انسان؛		۲۰/۳	۲۶/۴	۳۱/۳	۲۲	٪۱۰۰
تأثیر تخلیه مرزنشینان از حاشیه مرز بر افزایش قابلیت‌های رزمی مرزبانان؛		۱۹/۵	۳۶/۲	۳۱/۳	۱۳	٪۱۰۰
حضور مرزنشینان تا چه حد به اقتدار حاکمیت ملی و تثبیت خطوط مرزی و رفع ادعاهای مرزی مؤثر بوده است؛		۲۵/۷	۲۸/۸	۲۶/۱	۱۹/۶	٪۱۰۰
تأثیر بازارچه‌های مرزی و افزایش مبادلات مرزی در ارتقای معیشت مرزنشینان؛		۲۱/۹	۳۶/۶	۲۴/۸	۱۶/۷	٪۱۰۰
تأثیر بازارچه‌های مرزی در کنترل و امنیت پایدار مرزی؛		۲۱/۹	۳۲/۴	۳۱/۷	۱۳/۴	٪۱۰۰
تأثیر بازارچه‌های مرزی در کاهش قاچاق کالا؛		۲۸/۸	۲۹/۷	۳۲/۵	۸/۹	٪۱۰۰
ایجاد قرارگاه عملیاتی شرق در جلوگیری از فعالیت اشراک مسلح، گروه‌های تروریستی و ضدانقلاب؛		۷/۷	۲۷/۶	۴۱/۱	۲۳/۶	٪۱۰۰
تأثیر ایجاد قرارگاه عملیاتی شرق در کنترل و امنیت پایدار مرزی؛		۶/۱	۲۷/۲	۴۹/۲	۱۷/۵	٪۱۰۰
مناسبات دیپلماتیک در کنترل مرز، اجرای پروتکل‌های مرزی، تعمیق اعتمادسازی و افزایش همکاری‌های مرزبانان؛		۱۶/۵	۴۰/۷	۳۰/۵	۱۲/۲	٪۱۰۰
تأثیر انعقاد موافقت‌نامه‌های امنیتی، یادداشت‌های تفاهم در مبارزه با مواد مخدر، اشراک و گروه‌های تروریستی؛		۱۰/۶	۲۷/۶	۴۱/۱	۲۰/۷	٪۱۰۰
تأثیر ملاقات مرزبانان با همدیگر و ایجاد گشت همزمان در تعقیب مجرمین مرزی و استرداد آنها، کاهش تردهای غیرمجاز و کنترل مرز؛		۵/۷	۲۳/۲	۴۵/۹	۲۵/۲	٪۱۰۰
تأثیر تغییر رویکرد مدیریت مرزی از امنیتی، انتظامی، به اقتصادی، تجاری در تأمین امنیت پایدار و کنترل مرزها؛		۷/۳	۳۳/۳	۳۶/۲	۲۳/۲	٪۱۰۰
تأثیر احداث راه مرزی بر کاهش قاچاق مواد مخدر؛		۴/۹	۲۹/۳	۴۳/۱	۲۲/۸	٪۱۰۰
تأثیر احداث راه مرزی بر تردد مرزبانان و افزایش قدرت عملیاتی آنان؛		۲/۴	۱۳/۴	۴۵/۱	۳۹	٪۱۰۰
تأثیر احداث پاسگاه و برجک بر کاهش قاچاق مواد مخدر.		۸/۵	۳۰/۱	۳۷	۲۴/۴	٪۱۰۰
تأثیر احداث پاسگاه و برجک در کنترل تردد غیرمجاز؛		۹/۳	۲۲	۳۹/۸	۲۸/۹	٪۱۰۰
تأثیر احداث راه، پاسگاه و برجک بر قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان؛		۸/۱	۳۵/۴	۴۲/۳	۱۴/۲	٪۱۰۰
تأثیر احداث راه، پاسگاه و برجک بر کنترل و امنیت پایدار مرز؛		۷/۳	۲۴/۸	۵۰/۴	۱۷/۵	٪۱۰۰
تأثیر احداث موانع فیزیکی (سیم خاردار، کانال، خاکریز، دیوار بتنی) بر تردهای غیرمجاز، قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان؛		۶/۵	۳۳/۷	۳۷/۸	۲۲	٪۱۰۰
تأثیر احداث موانع فیزیکی بر کنترل و امنیت پایدار در مرز؛		۶/۹	۲۵/۲	۴۳/۵	۲۴/۴	٪۱۰۰
آیا احداث موانع فیزیکی با حفظ موازین حقوقی و فنی (حفظ علائم مرزی، تثبیت میله‌ها و خطوط مرزی) انجام شده است؛		۱۱/۹	۴۳/۳	۳۰/۷	۸/۲	٪۱۰۰
استفاده از تجهیزات پیشرفته در کاهش قاچاق سوخت، انسان و کالا؛		۱۲/۲	۲۶/۴	۴۲/۷	۱۸/۷	٪۱۰۰
استفاده از تجهیزات پیشرفته در کاهش تردهای غیرمجاز مرزی و قاچاق مواد مخدر؛		۷/۳	۲۶/۵	۴۰/۴	۲۵/۷	٪۱۰۰
تأثیر استفاده از تجهیزات پیشرفته در افزایش امنیت و کنترل مرزها؛		۱۰/۶	۱۷/۶	۴۸/۶	۲۳/۳	٪۱۰۰
تأثیر تأسیس هنگ‌های مرزی در افزایش امنیت و کنترل مرزها؛		۴/۹	۲۹/۳	۳۹/۴	۲۶/۴	٪۱۰۰
تأثیر تأمین امکانات زیستی پرسنل مرزی در افزایش انگیزه و جذب نیروهای متخصص؛		۶/۵	۲۲/۴	۴۳/۵	۲۷/۶	٪۱۰۰
تأثیر تمرکز در سیاست‌ها و ایجاد سازمان مرزبانی کشور در افزایش کنترل و امنیت مرزها؛		۴/۹	۱۵	۴۸/۴	۳۱/۷	٪۱۰۰
تأثیر ایجاد حریم مرز و تخلیه مرزنشینان در افزایش ضریب امنیتی مرزها؛		۱۹/۹	۲۹/۳	۳۲/۵	۱۸/۳	٪۱۰۰
تأثیر ایجاد حریم مرز در کاهش ورود مواد مخدر، تردهای غیرمجاز و کاهش قاچاق کالا.		۱۹/۱	۳۶/۲	۳۳/۷	۱۱	٪۱۰۰

بر اساس بررسی تأثیر همه متغیرها با هم بر روی متغیر مدیریت کنترل مرز به صورت زیر

است:



علاوه بر موارد پیش گفته شده، معرفی مدل مناسب مدیریت و کنترل مرزهای شرقی و ارائه پیشنهادات بخش دیگر از اهداف طرح بوده که به آن نیز جامه عمل پوشانده شد.

۷- تجزیه و تحلیل

استمرار و پیوستگی تهدیدات، مرزهای شرقی کشور را از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون با پدیده‌ای امنیت‌زدا در زمینه‌های مختلف بویژه قاچاق موادمخدر و تردهای غیرمجاز مواجه کرده است. عمده سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملی و محلی که از جنس واکنش‌گرایانه قابل تحلیل و تفسیر می‌باشند، معطوف به برخورد مقطعی و فصلی با عوامل

نامنی ویژه موادمخدر بوده است، هرچند بسیاری از خروجی‌های دستگاه‌های تصمیم‌گیر منجر به تعریف و تدوین پروژه‌های انسدادی از قبیل، راه مرزی، پاسگاه و برجک مرزی، احداث کانال، خاکریز، سیم خاردار و دیوار بتنی بوده است و در زمان خود این اقدامات مفید به فایده بوده اما هیچ‌گاه روند صعودی تولید و ترانزیت موادمخدر از مسیر ایران به کشورهای دیگر قطع و یا کاهش نیافته است (البته چنانچه افت و خیزی در این زمینه وجود داشته بستگی به شدت برخوردها و ناامن کردن فضای مرزها بر روی قاچاقچیان بوده است) بلکه منجر به تغییر شیوه‌ها و معابر ورودی و نفوذی و جابجایی فضای سرزمینی قاچاق گردیده است (Andalib, 2001:78).

از سوی دیگر فقدان یک طرح جامع که همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و شئون و شقوق زندگی مردم مرزنشین در بر گرفته و در عین حال حاکمیت و امنیت ملی کشور را صیانت و حفاظت نماید روند پیش گفته را تشدید کرده است. همان‌گونه که در متدولوژی پژوهش تبیین گردید فرض پژوهش بر این بود که عناصر اصلی مدیریت و کنترل مرز عبارتند از: ۱- احداث پاسگاه و برجک مرزی؛ ۲- احداث راه مرزی «اجرای این دو پروژه در طول مرزهای کشور، خاصه مرزهای شرقی اصطلاحاً به کمر بند امنیتی مرز اطلاق شد»؛ ۳- موانع فیزیکی و استحکامات مرزی (سیم خاردار، خاکریز، کانال، دیوار بتنی و ...). ۴- بازارچه‌های مرزی؛ ۵- تجدید نظر در ساختار مرزبانی کشور (راه‌اندازی هنگ‌های مرزی مطابق با سازمان ژاندارمری سابق)؛ ۶- استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک؛ ۷- استقرار واحدهای نظامی در مرز (هنگام افزایش آستانه تهدید)؛ ۸- تمایل به استفاده از سیستم‌های الکترونیکی.

نکته حائز اهمیت و قابل توجه در موارد مذکور عدم پیوستگی این طرحها و پروژه‌ها با همدیگر و یا با دیگر اقدامات عمرانی و توسعه‌ای در مناطق مرزی و حاشیه مرزها بوده است. به عبارت دیگر این پروژه‌ها در طول سی سال به اجرا در آمده است و در هر دوره‌ای بخشی از آنها در کانون اولویت سیاستگذاران بوده است، لذا به‌طور طبیعی مکمل و هم راستای هم نبوده و بیشتر واکنشی بوده تا کنشی.

با نگرش به حجم، نوع و سطح تهدید و اهداف تعیین شده برای هر یک از برنامه‌های به

اجرا در آمده در مرزی می‌توان اذعان کرد که اثربخشی پاسگاه و راه مرزی به‌صورت تداوم در حفظ و افزایش ضریب امنیت در مرزها نسبتاً مطلوب بوده و در کنار این دو عامل راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی و فعال نمودن آنها در رونق تجارت مرزی و در نتیجه ارتقاء سطح امنیت در خور توجه و امعان‌نظر بوده است، البته ناگفته نماند بازارچه‌های مرزی تا زمانی این نقش‌آفرینی را عهده‌دار بودند که اهتمام طرف مقابل نیز مصروف تبادل کالا و توجه به نقش و اهمیت چند وجهی این عامل بوده است، مادامی‌که یکی از طرفین به هر دلیلی تمایلی به گسترش و حجم و تنوع کالاهای مورد مبادله نشان نمی‌دادند رکود در بازارچه‌ها حکمفرما می‌گردید.

گذار به مرحله گسترش روابط سیاسی - امنیتی و مرزی فی‌مابین کشورهای همسایه بویژه همسایگان شرقی کشور از تونل امنیت و رونق بازارچه‌های مرزی صورت می‌گرفت، بنابراین مؤلفه دیپلماسی نیز به خدمت امنیت مرزها در آمد و با وجود ناامنی و بی‌ثباتی در دو کشور افغانستان و پاکستان شاهد گسترش مبادلات مرزی، انعقاد موافقتنامه‌های امنیتی و یادداشت‌های مختلف دوجانبه و چندجانبه و همکاری‌های مرزی بین مرزبانان می‌باشیم.

لذا در صورت متوازن و متداوم نمودن این چهار مؤلفه می‌توان به افزایش ضریب امنیت مرزهای شرقی کشور اطمینان حاصل کرد بنابراین بر سیاستگذاران و مجریان امور مرزی فرض است که به‌صورت ماتریس و شبکه‌ای و اتصال آنها به دیگر شقوق امنیت‌ساز استمرار و ارتقاء سطح امنیت ملی کشور را تأمین و تضمین نمایند. رویکرد نوین‌سازی تجهیزات و ابزارهای کنترل یک سیاست اجتناب‌ناپذیر در ماتریس امنیت مرزها محسوب می‌گردد که لازم است در راستای در اختیار گرفتن تکنولوژی‌های نوین تلاش لازم به‌عمل آید. آنچه که هم‌اینک در مرزها مورد استفاده عوامل مرزی قرار می‌گیرد تابعی است از فقدان همبستگی و پیوستگی بین اهداف، برنامه‌ها و پروژه‌ها.

بنابراین کارایی ابزارهای مذکور قابل احصاء نمی‌باشد. چرا که به‌صورت یک سیستم یا مدل مبتنی بر اهداف و برنامه به اجرا در نیامده که نظام پایش آن از طرف علمی قابل ارزیابی باشد، اما بر اساس تجربیات جهانی نه تنها غفلت از آن جایز نیست بلکه مدرن‌سازی ساختار و

سازمان مرزبانی و استفاده از آخرین و بهترین تکنولوژی‌ها متناسب با مختصات طبیعی و جغرافیایی و عوامل تهدیدزا امری لازم و ضروری است.

۸- نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل آماری ۲۴۶ پرسشنامه توزیع شده بین جامعه آماری در دو مدل جداگانه یعنی تأثیر همه متغیرها بر روی مدیریت و کنترل مرز و متغیرهای مستقل با مدیریت و کنترل مرز به ترتیب مدل شماتیک ۱ و ۲ بیانگر اولویت‌بندی طرح‌های انجام شده در مرزهای شرقی کشور می‌باشد. با این توصیف پاسگاه و برجک‌های مرزی، بازارچه‌های مرزی و راه مرزی در اولویت‌های یک تا سه را به خود اختصاص داده‌اند، معنای عملیاتی این تحلیل علمی این است که اقدامات انجام یافته معطوف به پاسگاه و برجک، بازارچه‌های مرزی و راه مرزی از بیشترین اثربخشی برخوردار بوده و تداوم آن را به مسئولان اجرایی و سیاستگذاران امور مرزی توصیه می‌گردد. دیگر اقدامات از قبیل مناسبات دیپلماتیک، موانع فیزیکی، راه‌اندازی هنگ‌های مرزی و استفاده از تجهیزات الکترونیکی و ایجاد قرارگاه شرق از منظر کارایی و اثربخشی در اولویت‌های چهارم تا هشتم قرار دارند.

مدل بررسی تأثیر همه متغیرها و تک تک متغیرهای مستقل بر روی متغیر مدیریت و کنترل مرز

براساس اولویت بندی



۹- قدردانی

تیم پژوهشی طرح «ارزیابی مدیریت و کنترل مرزهای شرقی کشور» بر خود لازم می‌داند که از مساعدت‌ها و همکاری‌های همه‌جانبه معاونین، مدیران و کارشناسان وزارت کشور و استانداری‌های خراسان رضوی، جنوبی، سیستان و بلوچستان تقدیر و تشکر نماید. بدیهی است بدون فراهم آوردن بسترهای حقوقی لازم توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و هدایت‌ها و ارشادات استاد ناظر، جناب آقای دکتر حافظ‌نیا انجام این پژوهش ممکن نبود، بنابراین مراتب سپاس خود را تقدیم همه این عزیزان می‌نماییم.

References

1. Abrar Moaser (2007); Iran's Borders, Tehran, [in Persian].
2. Andalib, Alireza (2001); Base Theory and Principles of Planning of Border Areas of Islamic Republic of Iran, Tehran: Faculty of Command and Staff of Islamic Revolution's Guards Corps, Tehran, [in Persian].
3. Boonwaat, Leik (2001); An Overview of Alternative Development Crop Eradication Policies, Strategies and Actions In the Golden Triangle Region. In Alternative Development: Sharing Good Practices, Facing Common Problems. Bangkok: UNDCP Regional Centre for Best Asia.
4. Cook, Collen (2007); Mexico's Drug Cartels, Washington, Congressional Research Service, October 2007, Available: http://www.congress.com/Reports/Drug_cartels/2007/PDF.
5. Eftekhari, Asghar (1999); Natural Capacity of Security (case study: Ethnicity and Violence in Iran), Strategic Studies, No. 5-6, Tehran, [in Persian].
6. Fisher, Dietrich (1993); Non military Aspects of security: A system Approach. UK.C.U.P.
7. Gurr, Ted Robert (1998); Why men rebel; Translated by: Ali Morshedizadeh, Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications, Tehran, [in Persian].
8. Hafeznia, Mohamamdreza (2002); Political Geography of Iran, SAMT Publication, Tehran, [in Persian].
9. Hafeznia, Mohamamdreza; Rashid, Gholamali; and Afshordi Mohammad Hossein (2007); Theoretical Pattern for Designing Defensive Strategy Based on Geopolitical Elements, Geopolitics, Vol. 3, No. 2, Tehran, [in Persian].
10. Hafeznia, Mohammadreza (2001); Economic Challenges of Iran's Economy in the 1380s, Collection of Articles of First Seminar of the Media and Basic Challenges of Iran's Economy in 1380s, Economic Research Institute, Tarbiat Modares University, Tehran, [in Persian].
11. Haghpanah, Jafar (1998); Narcotics Smuggling and Its Impact on Security of Islamic Republic of Iran, Strategic Studies, [in Persian].
12. Handmaker, Jeff and Karam Singh (2002); Crossing Borders: A Comparison of U.S and South African Border Control Policies, Research Unit on Law and Administration (RULA) in the School of Law, University of the Witwatersrand, Johannesburg.

13. Heidari, Mohammad (2009); Research Plan on Reinforcement and Blockade of Eastern Border of Khorrasan Province, Khorassan Governor General's office, [in Persian].
14. Heidarifar, Mohammad Raoof (2010); Critical Review of World son Borders Discourse, Geopolitics Quarterly, Vol. 6, No. 2, Tehran, [in Persian].
15. Karimipoor, Yadollah (2000); An Introduction to Iran and its Neighbors, source of Tension and Threat, Tehran: Jahade Daneshgahi, Tarbiat Mo'alem University Publications, [in Persian].
16. Matthew, Richard and Shamberk, George (1999); Transnational Threats and National Vulnerabilities, Strategy, No 3, [in Persian].
17. Mirheidar, Dorreh (2000); Principles of Political Geography, Tehran: SAMT Publications, [in Persian],
18. Mojtahedzadeh, Pirouz (2000); Geopolitical Outlooks and Iranian Realities, Tehran: Ney Publications, [in Persian].
19. Mondel , Robert (1994); The changing Face of national security: A conceptual Analysis, Washington: Berkley University Press.
20. Report of Department of Border Affairs and Campaign against Smuggling (2009); Tehran: Department of Border Affairs and Campaign against Smuggling, Interior Ministry, [in Persian].
21. Roknoddin Eftekhari, Abdoreza (2009); Assessment of Economic Impacts of Border Markets on Development of Border Zones, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 2, [in Persian].
22. Tayeb, Alireza (2003); Terrorism, History, Sociology and Law, Tehran: Ney Publications, [in Persian].
23. Wallerstein, Immanuel (1993); Geopolitics & Aeroculture: Essays on the changing world - system, Cambridge University press.
24. www.rand.org, National South West Border Counter-Narcotics Strategy, June 2009, available: [www.rand.org/Ntional South West Border/2009/pdf/P55](http://www.rand.org/Ntional%20South%20West%20Border/2009/pdf/P55).
25. Zarghani, Seyyed Hadi (2007); Geopolitical Factors Effective on Role and Function of Borders, with Emphasis on Iranian Borders, Geopolitics, Vol. 3, No. 2, [in Persian].